برنامه سمت خدا  
موضوع برنامه: هنر خوب زیستن  
كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی  
تاريخ پخش: 12-07-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین  
بگذار که این باغ درش گمشده باشد \*\*\* گلهای تَرش، برگ و بَرش گمشده باشد  
جز چشم به راهی     به چه دل خوش کند این باغ \*\*\* گر قاصدک نامه برش گمشده باشد  
باغ شب من کاش درش بسته بماند \*\*\* ای کاش کلید سحرش گمشده باشد  
بی اختر و ماه هست دلم مثل کسی که \*\*\* صندوقچه‌ی سیم و زرش گمشده باشد  
شب تیره و تار است و بلا دیده و خاموش \*\*\* انگار که قرص قمرش گمشده باشد  
آن روز تو را یافتم افتاده و تنها \*\*\* چون هیبت نخلی که سرش گمشده باشد  
پیچیده شمیمت همه‌جا ای تن بی سر \*\*\* چون شیشه‌ی عطری که درش گمشده باشد

شریعتی: «صلی الله علیک یا أباعبدالله» سلام می‌کنم به همه دوستان خوبم، خانم‌ها و آقایان، بیننده‌ها و شنونده‌های بسیار نازنین‌مان. عزاداری‌های شما قبول باشد. امروز هم با سمت خدا همراه و در کنار شما هستیم. آقای دکتر لقمانی سلام علیکم و رحمة الله. ایام را تسلیت می‌گویم.  
ج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. انشاءالله عزاداری‌هایشان قبول باشد و ذخیره آخرت و برکات بیشتر زندگی‌شان باشد.   
شریعتی: به رسم چهارشنبه‌ها از محضر نورانی شما استفاده می‌کنیم. قبل از اینکه وارد فراز پایانی روایت نبی مکرم اسلام و سؤال آن جوان شویم، اگر نکته‌ای هست بفرمایید.  
حاج آقای لقمانی:   
کربلا یعنی مرور زندگی \*\*\* کربلا یعنی خدا را بندگی  
کربلا یعنی که فردا باز هم \*\*\* این حقیقت هست و این آواز هم  
به لطف خداوند همه ما در این دهه اول محرم در عزاداری‌ها شرکت کردیم، انشاءالله خداوند قبول کند. الآن که تاسوعا و عاشورا را پشت سر گذاشتیم، می‌رویم برای سال آینده. در این ده، دوازده روز گفتیم: یا حسین! باید تا سال آینده با حسین باشیم. عزاداری ما اثر داشته باشد. گاهی در مجالس آنقدر انسان را مأیوس می‌کنند نسبت به گناه که مغرور می‌کند. نه مغرور، نه مأیوس! وقتی انسان بین امید و نا امیدی باشد، مراقب خودش هست. شروع سخنم را با این داستان زیبا آغاز کنم.  
یک نفر روی عشق و علاقه و محبت شعری گفت:  
حاجب اگر محاسبه حشر با علی است \*\*\* من ضامنم هرچه که خواهی گناه کن  
بعضی‌ها را دیدید. فقط گریه می‌کنند. معلوم نیست ممکن است حق الناس باشد. تو هیأت ما بیا، اگر امام حسین حاجت تو را نداد؟ مگر تو وکیل وصی امام حسین هستی؟ ممکن است یک مسأله دیگر باشد. شب حضرت علی به خوابش آمد. گفت: حاجب شعرت را اصلاح کن! گفتی:  
حاجب اگر محاسبه حشر با علی است \*\*\* من ضامنم هرچه که خواهی گناه کن  
من می‌گویم: اینطور بگو.  
حاجب اگر محاسبه حشر با علی است \*\*\* شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن!  
در این دوازده روز رواق چشم‌های ما اشکی و نورانی شده است. دل پاک شده است. حیف است دوباره با دیدنی‌ها و با شنیدنی‌ها آلوده شود. چه کار کنیم؟ زیارت عاشورا مانی فست شیعه است. مبنای تفکر شیعه است. «اشهد انک قد اقمت الصلاة» می‌خواهیم با حسین باشیم، نماز اول وقت بخوانیم. نمازمان ترک نشود. تا جایی که می‌توانیم نماز اول وقت بخوانیم. با وضوی شاداب و با توجه بخوانیم.«اشهد انک قد آتیت الزکاة» امور مالی‌مان را اصلاح کنیم. این با حسین بودن است. این اثر عاشورا است. این اشکی که انسان را حسینی می‌کند. «و امَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ» بی تفاوت نبودن نسبت به خود و خانواده. شفقت و مهربانی و هراس! «وَ نَهَيتَ عَنِ الْمُنْكَر» جلوی گناه را گرفتن با زبان خوش، نسبت به خود، نسبت به فرزند و همسر و دوستان، این حسین است. اگر الآن امام حسین در جمع ما بیایند، به هرکدام از ما و عزیزانی که پشت دوربین هستند، بگویند: گوشی موبایلتان را بدهید ببینم این ده دوازده روز که عزاداری کردید، من یک نگاهی به گوشی شما بکنم. به عنوان تشکر در خانه بیایند و در بزنند و بگویند: من حسین بن علی هستم که ده، دوازده روز عزاداری کردید. می‌خواهم در منزل شما یک چای بخورم و تشکر کنم. می‌گوییم: بفرمایید یا اینکه یک سری چیزهایی هست که خجالت می‌کشم شما داخل بیایید! ببخشید آقا پارچه بزرگ ندارم روی سر بیاندازم، صبر کنید. اگر امام حسین در جامعه ما بودند، دخترشان را چطور بیرون می‌آوردند؟ بازار و خرید و فروش چطور بود؟ این حسینی شدن است. اگر انسان این تفکر را کرد، ساعت تفکر هم شصت دقیقه نیست، گاهی یک ثانیه است. بعد از برنامه یک گوشه خلوت بنشین و فکر کن چه کنم امام حسین مرا دوست داشته باشد و متفاوت باشم؟ این بهتر از عبادت هفتاد سال است. آنوقت در هر لحظه زندگی انسان نورانیت و روحانیت است. فرشتگان زندگی‌اش را اداره می‌کنند. انسان می‌تواند؟ بله. لازم نیست حتماً آیت الله العظمی باشد. یک انسان عادی ولی والا و پاک و تابناک می‌شود.  
شریعتی: یک وقت‌هایی یک اتفاق‌هایی می‌افتد مثلاً ماه مبارک رمضان، شب قدر، روز عرفه، زیارت کربلا و زیارت مشهد، ایام حج است، آن مقطع می‌شود نقطه عطف زندگی ما و آغاز شروع فصل بندگی ما، محرم و دهه اول محرم و بعد تاسوعا و عاشورا نقطه عطفی است که خیلی‌ها سالشان را از امروز شروع می‌کنند با نکاتی که از شما شنیدیم، انشاءالله به برکت نام امام حسین تغییر قابل توجهی در زندگی ما به برکت نام سیدالشهداء و به برکت این اشک‌ها و روضه‌ها در زندگی ما به وجود بیاید.  
روایت یک جوانی را می‌شنویم که از پیامبر چند چیز را طلب می‌کنند و حضرت با حوصله تمام دارند به این سؤالات پاسخ می‌دهند و راهکارهایی را ارائه می‌دهند. امروز فراز پایانی این روایت را برای ما خواهند گفت که به نوعی این روایت سبک زندگی ما را تعیین می‌کند و راه و مسیر و جهت را به ما نشان می‌دهد.      
حاج آقای لقمانی: فراز پایانی این بود. گفت: یا رسول الله دوست دارم بعد از مرگ آن پنج ویژگی را پیدا کنم. خدا مرا دوست داشته باشد. محبوب القلوب مردم هم باشم. وضع مالی من عالی باشد. بدنم سالم و عمرم طولانی شود. وقتی از دنیا رفتم با شما محشور و همنشین شوم.  
اگر انسان یک مقدار تأمل و تفکر کند پایش را از خط فراتر نمی‌گذارد. من دیدم و دیدم و دیدم به این ماه عزیز کسانی که در مسیر بودند، وضع مادی دنیوی‌شان هم بهتر از دیگران بود. حتی مادیات! بدون دلهره، با آرامش و لذت. یا رسول الله می‌خواهم با شما محشور شوم. ایشان فرمودند: عزیزم، «فَاطِلِ‏ السُجود» سجده‌هایت را طولانی کن! این کُد چیست، نمی‌دانیم. معنای ظاهری‌اش این است که وقتی به سجده می‌روی به تعبیر عموم نوک نزن. بعضی اینقدر تند به سجده می‌روند و ذکر می‌گویند، اصلاً درست نیست. با آرامش! هر مقدار نماز طولانی شود از عمر انسان کم نمی‌شود. عجله نکن هیچ‌جا خبری نیست.  
معنای دوم این است که مسیر زندگی را بنا بر عبودیت قرار بده. ما ارتباطات متعالی که امروز مِدیتیشن می‌گویند، سه نوع داریم. ارتباطی که با خداوند داریم، عادت، عبادت، عبودیت! شیخ بهایی می‌فرماید:  
در عبادت کرده عادت چون صبی \*\*\* آخر وقت و اقل واجبی  
با دوستان و رفقا دل می‌دهد. تا به نماز می‌ایستد، خمیازه‌ها شروع می‌شود. خارش‌ها شروع می‌شود. عجله و سرعت!   
چون ز روی شوق کردی بندگی \*\*\* آن زمان داری نشان زندگی  
آنوقت زنده هستی و الا مرده متحرک هستی. بعضی سی ساله می‌میرند و شصت ساله دفنشان می‌کنند. سی سال پیش مرد. مرده عمودی بود. بعضی‌ها زنده هستند. نماز که می‌خواند می‌فهمد. سجده‌ها را می‌فهمد. عبادت می‌کند. سوم عبودیت است. تفاوت عبادت با عبودیت این است که گاهی عبودیت انسان در ترک بعضی موارد هست. ماه شریف رجب که اینقدر روزه در آن ثواب دارد. خانم روزه مستحبی گرفته است. آقا ساعت یازده صبح از محل کار زنگ می‌زند به خانه که یک ناهار مرتب و کاردرست، درست کن. من ظهر به خانه می‌آیم با هم ناهار بخوریم. شما بفرمایید: اولین جمله که این خانم مذهبی می‌گوید، چیست؟ این همه ناهار با هم خوردیم کجا را گرفتیم؟ من روزه هستم! امروز خودت ناهار را بخور! اگر بخواهد عبودیت کند باید بگوید: چشم، الآن ناهار درست می‌کنم. چون عبودیت گاهی در ترک عمل است. اطاعت و گوش به فرمان بودن کافی است. گاهی ما در حرم امام رضا از بسم الله الرحمن الرحیم تا پشت مفاتیح را می‌خوانیم اما بیرون که می‌آییم با یک مقدار غیبت همه را پاک می‌کنیم. چون می‌خواهیم عبادت کنیم و عبودیت نداریم. تا حرف کسی مطرح می‌شود. بگو: ببخشید من خبر ندارم! گفت: یک حرفی زد گفت: حاضر هستم تا اهواز بروم ثابت کنم! یک اهل دلی گفت: چرا حرفی می‌زنی که مجبور شوی برای اثباتش تا اهواز بروی؟ عادت، عبادت، عبودیت! وقتی عبودیت شد انسان بنده خوب خدا می‌شود. حرف شنوی می‌خواهد. گاهی در نرفتن است و گاهی در انجام ندادن است. این مهم است. وقتی انسان در این مسیر افتاد، می‌بیند نورانیت و روحانیت و برکات بسیاری شامل حالش می‌شود.  
دو سه نکته در مورد سجده بگویم. مسجد را چرا مسجد می‌گویند؟ با اینکه در مسجد، قنوت هم داریم. رکوع هم داریم، ولی سجده را می‌گویند. امیرالمؤمنان فرمود: سجده منتهی و اعلای عبادت است. بعضی در سجده کیف می‌کنند. امام سجاد را دیدند که جوان بودند در کنار کعبه بودند. بنده کوچولوی کوچولوی تو! گاهی یکی قد می‌کشد و سینه سپر می‌کند. فرمود: من بنده کم مقدار و حقیر تو هستم. «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ‏ يَكُونَ‏ عَبْداً لِلَّه‏» (نساء/172) عیسی مسیح ابایی نداشت بگوید: من عبد خدا هستم! «اشهد انک عبده»، «قال انی عبدالله» چقدر خوب است انسان بنده باشد. مسجد محل سجده است. یک جمله طلایی به جوانان هدیه کنم. زیباترین حس سجده آن است که در گوش زمین پچ پچ می‌کنی و در آسمان صدایت شنیده می‌شود! آنوقت مگر آدم از عبادت سیر می‌شود؟   
جمله دوم این است. سید علی آقای قاضی استاد اخلاق علامه طباطبایی یک جمله دارند که من این جمله را که شنیدم تا دو هفته از عبادات خودم بیزار بودم. «ما نمی‌دانیم اگر خدا در بهشت به ما بگوید: لازم نیست نماز بخوانید، ما چه بکنیم؟» یعنی برای ترس از جهنم نیست، برای عشق بهشت نیست. من کیف می‌کنم نماز می‌خوانم! امام حسین(ع) شب عاشورا مهلت گرفتند که «انی اُحِبُّ الصلاة» من به نماز عشق می‌ورزم! ظهر نماز، شب نماز شب! این چیست؟   
علامه طباطبایی می‌گوید: همسرم چهار، پنج بار باردار شد. بچه افتاد. یک روز از حرم امیرالمؤمنین به منزل برمی‌گشتم. دم منزل دست لطیف و مهربانی را روی شانه‌ام احساس کردم. صورت را برگرداندم. دیدم یک سیدی است که خیلی ساده و بی آلایش است. تا صورت برگرداندم یک جمله به من گفت: ای عزیز دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان. آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان! از آن روز تا الآن سی سال می‌گذرد. اینقدر حرف ایشان در من تأثیر گذاشت که بعد از سی سال یک شب نماز شب من ترک نشد. فرموند: «هیچکس لذت امور ظاهری را نمی‌برد، کسی که نماز با توجه بخواند.» برویم فلان‌جا شیشلیک بخوریم. فلان‌جا جاده‌اش با صفا است. نه اینکه آنجا نرود. برایش اولویت ندارد. کسی که نماز با توجه بخواند دیگر امور دنیوی برایش طعم ندارد.  
یکی از اصحاب امام صادق از امام در مورد عیش پرسید. امام فرمود: دلهایی که از یاد خدا خالی است. «قلوب خلت من ذكر الله فأذاقه الله حب غيره» خداوند حبّ اشیاء را می‌کشاند. با کفش کِیف می‌کند. با لباس، با مد، با پرده، چون دل خالی است. از محبت و ذکر خدا خالی است. نزدیک اقیانوس نرفته است. یک مهمانی می‌رود و می‌آید و مبل‌ها را می‌بیند غصه دار می‌شود. پرده‌ها را می‌بیند غصه‌دار می‌شود. ماشین می‌بیند، غصه‌دار می‌شود. روی ماشینش خط انداختند، دو دستی بر سرش زد که خاک بر سرم شد! به جهنم که انداختند. تمام محبت این است. بعد کسی که همین ماشین و زندگی را دارد، اسیر نیست. چون لذت عبادت برایش شیرین است. «طُوبى‏ لِمَنْ‏ عَشِقَ الْعِبادَةَ وَ عانَقَها» در مورد محشور شدن هم یکی دو جمله بگویم. پس حضرت فرمود: سجدها را طولانی کنید که شیطان هم گفت. وقتی یک نفر به سجده می‌رود شیطان وا ویلا می‌گوید که این بنده از دست من خارج شد.  
آمد نزد رسول خدا گفت: یا رسول الله! من دلم می‌خواهد دوستم داشته باشی، من شما را دوست داشته باشم. زندگی من خوب شود. فرمودند: به شرطی که سجده‌ها را طولانی کنی. برای عبادت وقت بگذاری. عزیزانی که دیدار خصوصی با رهبر انقلاب دارند. ایشان مکرر این سفارش را می‌کنند. وقت ویژه برای عبادت با خداوند داشته باشید. نماز را باید بخوانید. روزه را باید بگیرید. ولی گاهی نیم ساعت قبل از اذان صبح، بین الطلوعین انسان یک قرائت قرآنی داشته باشد. یک خلوتی، یک اشکی داشته باشد. لذا می‌فرماید: وقتی پرده‌ها کنار می‌رود، بعضی می‌گویند: اینقدر هم لازم نبود به تشریفات برسد. چرا به خودش نرسید. با خودشان چه کار کردند؟ بعضی انسان‌ها طوری می‌میرند که همانطور زندگی می‌کنند. آیت الله جوادی آملی چندین بار فرمودند: انسان دروغگو رؤیای صادقه نمی‌بیند. صبح تا شب دروغ می‌گوید. هیچ تناسبی ندارد. «نوریان مر نوریان را طالبند» در حشر هم همینطور است.  
روایت داریم جامع است و انسان را زنده و بیدار می‌کند. اصناف و مردم چند دسته هستند. بعضی روز قیامت به شکل مورچه محشور می‌شوند. بعضی به شکل میمون، بعضی سگ و بعضی خوک و بعضی گرگ، باطن عملشان در دنیا اینطور است. کسانی که متکبر هستند، علم و مدرک و پول و شهرت دارد. کسی را عددی حساب نمی‌کند. روز قیامت به صورت مورچه هستند و افراد پا روی آنها می‌گذارند. افرادی که از حرام خواری ابا نداشتند. می‌گوید: وضع من باید توپ شود. من باید فلان و فلان را داشته باشم. مرتب جمع آوری می‌کند. به شکل خوک محشور می‌شوند. چون خوک نجاست خوار است. افرادی که زبانشان تیغ دارد، تیز و تند و تلخ است. وارد جلسه می‌شود می‌گوید: وای فلانی آمد. اینها به شکل گرگ محشور می‌شوند. خوی درنده دارند. آنهایی که به هر طریقی اذیت می‌کنند، سگ می‌شوند. افرادی که نمام و سخن‌چین هستند به شکل میمون می‌شوند. چه کسانی به صورت انسان محشور می‌شوند؟ کسانی که انسان بودند. بعضی از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها ماشاءالله، می‌گوید: ناراحت نباش اگر لقمه حلال سر سفره بیاوری، بچه‌هایت منحرف نمی‌شوند. گاهی مواقع عبادت می‌شود و گاهی عصیان می‌شود. لقمه خیلی تأثیر دارد. در فکر و نیت انسان تأثیر دارد.  
آیت الله بهاءالدینی فرمودند: در تابستان گرم و کشنده قم، بعد از ظهر یک نشانی از یک بچه ‌خواستیم. سه ساعت ما را در کوچه‌های قم چرخاند آخر هم راستش را نگفت. بعضی بچه‌ها هستند گل هستند. آدم دوست دارد آنها را ببوسد. اینقدر آراسته هستند. بعضی از نوجوانان عفیف و پاکدامن هستند. «طُوبَي‏ لِمَنْ‏ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً» (علل‌الشرائع، ج 2، ص 564) خوشا به حال کسی که مادرش عفیف و پاکدامن است. غذای خوب خورده و شیر خوب داده است. بعضی از مادران بچه‌هایشان را به مجلس عزای امام حسین می‌آورند و همان لحظه که روضه خوانده می‌شود، به بچه شیر می‌دهند. می‌گوید: دلم می‌خواهد اشکم را با شیرم بخورد. همین بچه بعد قندان در روضه می‌آورد. بعد چای می‌آورد. بعد طلبه می‌شود. بعد هیأتی می‌شود. بعد دانشجو می‌شود. بعد عاشق امام حسین می‌شود. اینهایی که مدافع حرم هستند و شهید بین المللی هستند در پارتی تربیت نشدند. نعوذ بالله پای ماهواره و منقل و مشروب بزرگ نشدند. در مجلس امام حسین بزرگ شدند. مثل شهید محسن حججی که گفت: حاجی ناراحت نباش برای امام حسین باید سر داد و به اوج رسید. انشاءالله خدا ما را جزء این گروه قرار بدهد.  
شریعتی: سؤال یک جوان از پیامبر باعث شد ما چندین جلسه از سبک زندگی بشنویم و انشاءالله با راه و رسم زندگی کردن و رسیدن به حیات طیبه آشنا شویم و حالا هم که ایام عزاداری حضرت سیدالشهداء(ع) است، حضرت و یاران و اصحابشان و اهل‌بیتشان خوب به ما یاد دادند که چطور زندگی کنیم و سبک زندگی ما باید به چه سمت و سویی برود. انشاءالله با مدد اهل‌بیت(ع) در این مسیر قدم برداریم و برسیم به جایی که باید برسیم. امروز صفحه 97 قرآن کریم، آیات 114 تا 121 سوره مبارکه نساء تلاوت می‌شود.   
«لا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ‏ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً «114» وَ مَنْ يُشاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدى‏ وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ ما تَوَلَّى وَ نُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصِيراً «115» إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالًا بَعِيداً «116» إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِناثاً وَ إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطاناً مَرِيداً «117» لَعَنَهُ اللَّهُ وَ قالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً «118» وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً «119» يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلَّا غُرُوراً «120» أُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ لا يَجِدُونَ عَنْها مَحِيصاً «121»  
ترجمه: در بسيارى از (جلسات و) سخنان درگوشى آنان، خيرى نيست، مگر (سخن) كسى كه به صدقه يا كار نيك يا اصلاح و آشتى ميان مردم فرمان دهد و هر كس براى كسب رضاى خدا چنين كند پس به زودى او را پاداشى بزرگ خواهيم داد. و هركس پس از آنكه هدايت برايش آشكار شد با پيامبر مخالفت كند و راهى جز راه مؤمنان را پيروى كند، او را بدان سوى كه روى كرده بگردانيم و او را به دوزخ افكنيم كه سرانجام بدى است. همانا خداوند از اينكه به او شرك ورزيده شود (بدون توبه) درنمى‏گذرد ولى پائين‏تر و كمتر از آن را براى هر كس كه بخواهد (و شايسته بداند) مى‏بخشد. و هركس به خداوند شرك ورزد حتماً گمراه شده است، گمراهى دور و دراز. (مشركان) به جاى خدا، جز معبودانى مؤنث (كه نام زن بر آنها نهاده‏اند مانند لات و مناة وعُزّى‏) نمى‏خوانند وجز شيطان سركش وطغيانگر را نمى‏خوانند. خداوند لعنتش كند وقتى كه گفت: من حتماً از بندگان تو سهمى معيّن خواهم گرفت (و گروهى را منحرف خواهم كرد). و حتماً آنان را گمراه مى‏كنم و قطعاً به آرزوها سرگرمشان مى‏سازم و دستورشان مى‏دهم كه گوش چهارپايان را بشكافند (تا علامت باشد كه اين حيوان سهم بت‏هاست) و به آنان فرمان مى‏دهم كه آفرينش خدا را دگرگون سازند. و هر كس به جاى خدا، شيطان را دوست و سرپرست خود بگيرد، بى‏گمان زيان كرده است، زيانى آشكار. (شيطان) به آنان وعده مى‏دهد و ايشان را در آرزو مى‏افكند و شيطان جز فريب، وعده‏اى به آنان نمى‏دهد. آنانند كه جايگاهشان دوزخ است و از آن راه گريزى نيابند.   
شریعتی: اشک آب حیات ماست. دعا می‌کنم که انشاءالله بین ما و اشک فاصله نیافتد. به همه مخاطبان خوب خارج از کشور سلام می‌کنم. همینطور شنوندگان خوب رادیو قرآن که همراه ما هستند. از لطف و محبت همه شما سپاسگزار هستم. اشاره قرآنی را بشنویم و بعد از از علامه شوشتری برای ما بگویید.      
حاج آقای لقمانی: آیه 119 سوره نساء می‌فرماید: «وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً» یک روز بین المللی داریم، روز بین المللی حسرت، روز قیامت! همه حسرت می‌خورند. خوب و بد حسرت می‌خورند. خوب‌ها چرا خوبتر نبودند؟ خوبترها چرا خوب‌ترین نبودند. بدها چرا خوب نبودند؟ چرا از عمرشان استفاده نکردند. محصولش چیست؟ خسران است. «وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي‏ خُسْر» (عصر/1و2) تمام انسان‌ها در زیانکاری هستند. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» (عصر/3) خسران چیست؟ یک کسی می‌خواست کتاب لغت بنویسد، گفت: در کشورهای عرب زبان بروم و واژه‌ها را پیدا کنم. آمد دید یک یخ فروشی داد می‌زند، «ارحموا» به من رحم کنید که دچار خسران شدم. نه سرمایه ماند و نه سودی بردم. یخ‌هایش آب شد. سرمایه آب شد، سود هم نبرد. این خسران است. فهمید عرب به چه چیزی خسران می‌گوید. گاهی من سودی می‌برم ولی اصل مالم را برمی‌گردانم. می‌گویند: ضرر، عدم سود. ولی گاهی مواقع اصل و فرع و همه می‌رود. خدای نکرده مثل کسانی که ورشکست می‌شوند. این را خسران می‌گویند. همه ما را تهدید می‌کند. گاهی خسران اعتقادی است. گاهی اجتماعی است، آبرو است. شیطان از کم شروع می‌کند، ولی به کم قانع نمی‌شود. تا آبروی انسان را دچار خسران نکند دست بردار نیست. اول با یک دروغ شروع می‌کند. اول با نشستن چند دقیقه‌ای، دیدن چند دقیقه‌ای ولی بعد رها نمی‌کند. این جمله به قدری در وجود من اثر کرد. قله‌ای که یکبار فتح شود، تفریحگاه عمومی خواهد شد. مواظب قله‌ی وجودی‌تان باشید. بعضی رفقا هستند می‌گویند: یک پُک بزن. یکبار بیا برویم. یکبار نگاه کن! یکبار بخور. یکبار که بشود دیگر عادی می‌شود. بعضی هستند همین یکبار را هم اجازه نمی‌دهند. مراقب حجاب، مراقب عفاف، مراقب خوردنی‌ها و دیدنی‌ها باشیم. همه اینها که منحرف شدند، از اول اینطور نبودند. در طول شصت سال عمرمان چند سال به حج مشرف می‌شویم؟ نهایتاً دو بار، سه بار. ایشان هجده بار پیاده به حج مشرف شدند. اگر الآن زمان حضرت علی(ع) بود، چند درصد احتمال می‌دادیم جزء سران سپاه حضرت علی باشیم؟ شمر جزء سران سپاه حضرت علی در جنگ صفین بود. شمر جانباز بود. در جنگ صفین تیر به بازویش خورد. اگر این تیر به جلو خورده بود شهید شده بود. در رکاب امام حسن و امام حسین در خدمت حضرت علی بود. اما با یک زاویه انحراف رفت و برنگشت و دچار خسران شد. عصر عاشورا روی سینه امام حسین بنا بر نقلی نشست. گفت: می‌دانم پسر بهترین زنان عالم هستی ولی با این حال سر از بدنت جدا می‌کنم!   
شمر یعنی درد قولنج زمین، شمر یعنی لعنة للعالمین  
شمر یعنی هجو شبنم با شراب، شمر یعنی احتکار آفتاب  
قوم ما در قتلگاه روزگار، می‌شناسد شمرهای بی شمار  
یک درسی باید در مراکز علمی به نام شمرشناسی بگذارند. همه ما می‌توانیم شمر شویم. همه ما می‌توانیم عمر سعد باشیم. همه ما می‌توانیم حر باشیم. حر روز دوم محرم گفت: مادرت به عزایت بنشیند. روز دهم محرم گفت: چه نام خوبی مادرت برایت انتخاب کرد. وقتی به امام حسین خبر دادند حر دارد می‌آید، به حضرت گفتند: امام اعتنایی نمی‌کند. ولی امام بلند شدند و دو دستشان را باز کردند و حر را به سینه چسباندند. حر صبح تا الآن منتظرت بودم! قربان امام حسین! بعضی در این ایام حر می‌شوند. پاک می‌شوند و از عزاداری خارج می‌شوند، اینقدر ارزش دارد. پذیرش هست، ما باید یک قدم برداریم. خسران تهدیدی برای ما هست. عاقبت بخیری فرصتی برای ما هست. باید مراقب باشیم. مراقبه، مراقبه، مراقبه!  
یکی از علمایی که بسیار خوش سلیقه در بیان مسائل بودند، شیخ جعفر شوشتری بودند. یک جایی ایستاده بودند، یک الاغی بار آجر آورد. بار را انداخت و بعد یک نگاهی به شیخ جعفر کرد و رفت. شیخ جعفر گفت: فهمیدی به من چه گفت؟ ایشان به من گفت: آ شیخ جعفر تو که اینجا ایستادی من بارم را سالم به مقصد رساندم. تو که اینجا ایستادی سالم رساندی یا نه؟ بعد از چشم‌ها عبرت می‌گیرند. بعضی از دلها عبرت می‌گیرند. یک مطلبی را ایشان دارند در مورد علی اکبر امام حسین، فرمودند: اینکه بعضی‌ها گفتند: امام حسین را شمر کشت، نه! خولی کشت، نه! می‌دانید امام حسین را چه کشت؟ داغ علی اکبر کشت. وقتی که امام حسین بالای بدن چاک چاک علی آمدند، دیکر نتوانستند حرفی بزنند. امام نتوانستند بایستند، با سر زانو آمدند. صورت روی صورت گذاشتند. ولدی، ولدی! امام حسین را داغ جوان کشت. دیگر امام حسین (ع) مراعات چشم دشمن را نکردند. دو جا امام بلند گریه کردند، یکی وقتی که علی اکبر خواست به میدان برود. از عزیزان داغ دیده و پدر و مادران جوان از دست داده عذر می‌خواهم. داغ خیلی بد است.  
یکی از خانم‌های حوزه علمیه قم در سفر تبلیغی خیلی زیبا و دسته بندی شده در مورد مصائب و پاداشش صحبت کرده بود. همه هم گریه کرده بودند. آخر کار مادر شهیدی گفته بود: بیا دخترم. او را بوسید و گفت: الهی سالم باشی. خدا شوهرت و بچه‌هایت را حفظ کند و داغ نبینی! داغ مهری است که روی آتش می‌گیرند و سرخ می‌شود و به بدن موجود زنده می‌زنند. تمام وجود را به لرزه درمی‌آورد. وقتی علی اکبر می‌خواست به میدان برود، زن و بچه فهمیدند و سیلی به صورت زدند. اشک ریختند، خواهران علی دور علی آمدند حلقه زدند. زینب تا شنید آنچنان سیلی به صورت زد، وای بر من! امام یک جمله فرمودند: علی را رها کنید! او به خدا پیوسته است. همه فهمیدند علی برود دیگر برنمی‌گردد. صدای شیون بلند شد. امام عمامه صحاب رسول الله را روی سر علی گذاشت. کمربند پیامبر را به علی بست. شبه پیامبر، شانه از جیب درآوردند و محاسن علی را شانه کردند. رکاب گرفتند. علی سوار اسب شد. یک نگاهی به قد و قامت علی کردند و صورت برگرداندند و بلند بلند شروع به گریه کردند و عمر سعد را نفرین کردند. خدا نسلت را قطع کند که نسل مرا قطع کردی! یکجا هم وقتی امام بالای سر علی آمدند خواستند بدن را بلند کنند، دیدند عرباً عربا است. یعنی تکه تکه است. فقط یک جمله فرمود: جوانان بنی هاشم بیایید، برادرتان را به خیمه‌ها ببرید! «السلام علیکم یا اهل البیت النبوه»       
شریعتی: انشاءالله خدای متعال ما را در سنت ذبح عزیزانمان پیش پای محبوب سرافکنده نکند. دعا بفرمایید و همه آمین بگوییم.  
حاج آقای لقمانی: خدایا به حق علی اکبر امام حسین، جوانان ما را خوشبخت بگردان. از گزند حوادث مصون بدار. به حق محمد و آل محمد هرکس هر حاجتی دارد، به حق این جوان دلربای امام حسین، به حق آقا علی اکبر امام حسین تمام گره‌ها را باز کن. دلها را شاد بگردان و این محرم را ماه متفاوت برای حسینی شدن ما مقدر بفرما. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد(ص).  
شریعتی:   
سیب سرخی سر نیزه است، دعا کن من نیز  
این چنین کال نمانم به شهادت برسم  
«السلام علیک یا أبا عبدالله»